



نگاهی تطبیقی به مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکرد آدلری  
ناصر عباسی<sup>۱\*</sup> و عاطفه عبدی‌لیفکوئی

A Comparative Look at The Sociological Foundations of Formal and General Education in the Fundamental Transformation Document of Education with the Adlerian Approach  
Naser Abbasi and Atefe Abdilifkoei

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

Abstract

Alfred Adler is one of the leading theorists in the field of psychotherapy, whose approach to social interest has attracted the attention of many people interested in this field. The purpose of Adler's treatment is to help re-orient people from selfish goals to social goals. On the other hand, the development of the theoretical foundations of the document of fundamental change is one of the important measures taken by the Ministry of Education in recent years. Therefore, it is important to study its sociological foundations, which have a special role in educating competent citizens and a healthy society. The present study, which comparatively examines the sociological foundations of formal and general education from the perspective of Adler's approach, examines the commonalities and differences between the sociological foundations of formal and public education and Adler's approach through the method of Beredy comparative research. The results indicate that there are several similarities between these two views; among other things, in both views, society is an integral part of human life. Also, while individuals are unique, they have their own responsibilities to society, and the importance and role of the family is one of the commonalities of both. On the other hand, different aspects such as the difference in looking at human beings, the primary and secondary social instinctual tendencies and the type of looking at the family can be seen in these two perspectives. The results of the present study and similar studies that have compared the documents of education and training with accepted theories of psychotherapy, which play an important role in human mental health, can strengthen the scientific foundations and application of these documents open new horizons in front of education experts.

**Keywords:** Formal and General Education, Document of Fundamental Transformation, Sociological Foundations, Adlerian Approach

چکیده

آلفرد آدلر یکی از نظریه‌پردازان برجسته حوزه روان‌درمانی است که رویکرد وی در زمینه علاقه اجتماعی، مورد توجه بسیاری از علاقه‌مندان این حوزه است. هدف درمان آدلری، کمک به افراد در زمینه هدایت آن‌ها از سمت هدف‌های خودخواهانه، به سوی اهداف اجتماعی است. از سوی دیگر، تدوین مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از اقدامات مهمی است که در طی سال‌های اخیر، توسط وزارت آموزش و پرورش صورت گرفته است؛ لذا بررسی مبانی جامعه‌شناختی آن، که نقش ویژه‌ای در تربیت شهروندانی صالح و جامعه‌ای سالم دارد، دارای اهمیت فراوان است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی از منظر رویکرد آدلری، با روش تحقیق تطبیقی بردی، به بررسی وجوه مشترک و تفاوت میان مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی و رویکرد آدلری پرداخته است. نتایج، حاکی از آن است که وجوه اشتراک متعددی میان این دو دیدگاه وجود دارد؛ از جمله اینکه در هر دو دیدگاه، جامعه جزو جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌هاست. همچنین افراد ضمن بی‌همتا بودن، در قبال جامعه مسئولیت خاص خود را دارند اهمیت و نقش بسیار مهم خانواده، از دیگر وجوه اشتراک هر دو است. اما در مقابل، وجوه افتراقی چون تفاوت در نگاه به انسان، گرایش فطری اجتماعی اولیه و ثانویه و نوع نگاه به خانواده، در این دو دیدگاه، به چشم می‌خورد. نتایج مطالعه حاضر و پژوهش‌های مشابه که به تطبیق اسناد تعلیم و تربیت با نظریه‌های مقبول روان‌درمانی - که نقش مهمی در سلامت روانی انسان‌ها دارند پرداخته‌اند - می‌تواند موجب تقویت پایه‌های علمی و کاربردی‌سازی این اسناد گردد و افق‌های تازه‌ای را پیش روی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار دهد.

**واژه‌های کلیدی:** تربیت رسمی و عمومی، سند تحول بنیادین، مبانی جامعه‌شناختی، رویکرد آدلری

1. MA student in family counselling, Kharazmi

University, Tehran, Iran

2. BA student, Farhangian University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author, Email: naser241@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مشاوره خانواده، دانشگاه

خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول:

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم در تعلیم و تربیت، زندگی اجتماعی انسان‌ها است؛ بنابراین، افراد جامعه<sup>۱</sup> باید از ابتدا جامعه‌پذیر<sup>۲</sup> شوند؛ معمولاً پس از خانواده، انتقال هنجارها و ارزش‌های - اجتماعی به دانش‌آموزان، در مدارس اتفاق می‌افتد. بنابراین؛ موضوع آماده‌سازی و اجتماعی‌شدن دانش‌آموزان در دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران دارای اهمیت فراوانی است؛ به‌عنوان مثال، در دیدگاه پارسونز، تعلیم و تربیت به منزله جریان انتقال فرهنگی قلمداد شده است. «اصل اجتماع، بیشتر ارزش تربیتی دارد. طبق این اصل، فردی که در مسیر علمی حرکت می‌کند لازم است به پیشرفت اخلاقی جامعه کمک کند» (شکوهی، ۱۳۹۴: ۱۸۴). علاوه بر آن، تربیت دارای کارکرد جامعه‌پذیری است، «تربیت رسمی بیش از هر چیز تابع مقتضیات محیط اجتماعی و شرایط تاریخی است و وضعیت جامعه یا دوران، می‌تواند حدود و ثغور و ویژگی‌های آن را رقم بزند.» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۲۰). در این میان، رویکرد آدلری<sup>۳</sup> از جمله رویکردهای روان‌درمانی است که، سازندگی و سلامت فرد را در محیط اجتماعی سالم وی می‌بیند. «شخصیت‌های بیمار آن‌هایی هستند که از رسیدن به برتری به شیوه‌ای که از لحاظ اجتماعی سازنده باشد، مأیوس شده‌اند» (پروچسکا<sup>۴</sup>؛ به نقل از محمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۳) درمانگران آدلری رمز موفقیت فرد را در علاقه اجتماعی<sup>۵</sup> وی می‌دانستند: «آنان برای کمک به پرورش علاقه اجتماعی، باشگاه‌های اجتماعی نیز دایر کردند» (پروچسکا<sup>۴</sup>؛ به نقل از محمدی، ۱۳۹۹: ۱۱۹). آدلر از جمله افرادی بود که علاقه اجتماعی را یک استعداد فطری می‌دانست، جهت رسیدن به اهداف شخصی و اجتماعی، از طریق همکاری کردن فرد با دیگران و جامعه. «آلفرد آدلر<sup>۶</sup> معتقد بود، کنار آمدن با دیگران، اولین تکلیفی است که در زندگی با آن روبه‌رو می‌شویم» (شولتز<sup>۷</sup>؛ به نقل از محمدی، ۱۳۹۹: ۲۰۲). در مبانی نظری سند تحول بنیادین ذکر شده است که با توجه به گسترش روزافزون اطلاعات و به دلیل اینکه دانش‌آموزان گوناگون با خاستگاه‌های اجتماعی مختلف، وارد چرخه تعلیم و تربیت می‌شوند، برقراری عدالت در میان آنان، در کلاس درس و مدرسه، مستلزم فهم عمیق تفاوت‌های اجتماعی آنان و اثرات این ویژگی‌ها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی است. در هم‌سویی با این امر مهم، آدلر نیز معتقد است که: «با پیشرفت ارتباطات و فن‌آوری، لزوم وجود مدرسه برای همه مردم مطرح شده است؛ رسالت مدرسه، پرورش انسان‌هایی است که بتوانند در خلال زندگی خود به صورتی مستقل کار کنند و خواسته‌های گروه اجتماعی را همانند مسائل شخصی خویش بدانند» (آدلر، ۱۹۷۸). لذا

1. Community members
2. Sociable
3. Adlerian therapy
4. Prochaska
5. Social interest
6. Prochaska
7. Alfred Adler
8. Schultz

همواره هر جامعه‌ای در تکاپو جهت تربیت شهروندانی صالح است. «جامعه می‌کوشد در پرتو مجموعه فعالیت‌های هدفمند و سنجیده، فرد موردپسند خود را به‌عنوان یک شهروند برای امروز و فردا مجهز به مهارت‌هایی نماید که بتواند در عرصه زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فنی، نقش مؤثری ایفا کند» (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۷). لذا پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نقاط مشترک میان رویکرد آدلر و مؤلفه‌ها و مبانی جامعه‌شناسی - با هدف مقایسه تطبیقی میان این دو - صورت پذیرفته است. در این میان، یکی از ابزارهای مهمی که برای حل این مسائل و مشکلات، می‌توان به‌کار برد، آشنایی با مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین، از دیدگاه آن دسته اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه روانشناسی است، که همواره جامعه را، مهم‌ترین عامل در رشد و تکوین شخصیت فرد دانسته‌اند؛ که از جمله این نظریه‌پردازان، آلفرد آدلر است. بنابراین، مطالعه تطبیقی مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین و رویکرد آدلری می‌تواند، نقشه راه جامع و منسجمی را در حوزه آموزش و پرورش، در تفهیم تفاوت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، تربیت شهروندانی صالح و در نهایت داشتن جامعه‌ای سالم و در راستای اهداف سند تحول بنیادین فراهم نماید. حال سؤال اصلی این است که «رابطه تطبیقی مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین و رویکرد آدلری به چه شکلی است؟» همچنین سؤالات دیگر این پژوهش عبارتند از: جامعه‌پذیری و علاقه اجتماعی چه جایگاهی در رویکرد آدلر دارند؟ مؤلفه‌های مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین کدامند؟ کدام مؤلفه از مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین منطبق با رویکرد آدلری است؟ چه وجوه افتراقی میان مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین و رویکرد آدلری وجود دارد؟ شایان ذکر است که در خصوص پیشینه پژوهشی؛ طبق بررسی‌های نگارندگان، تاکنون پژوهشی مشخصاً به مطالعه تطبیقی میان مبانی نظری سند تحول بنیادین و رویکردهای روانشناسی چون آدلر، نپرداخته است. با این وجود پژوهش‌هایی در زمینه سند تحول بنیادین و مبانی نظری آن انجام شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: باقری، و خدیجه ابوالمعانی الحسینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار وجودی انسان در قرآن و کاربرد آن در ساحات تربیتی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» باهدف کاربردی کردن ساحات تربیتی با تطبیق بر نقشه انسان در قرآن پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که، دستیابی به اهداف هر یک از ساحات تربیتی، وابسته به در نظر گرفتن تعالی، توسعه و رشد متریبان در ساختارهای وجودی مرتبط با آن در نقشه انسان در قرآن است که در قالب الگوهای مجزا ارائه شد و آن نظام معیاری کاربردی را در جهت تحقق حیات طیبه در اختیار مربیان و متریبان قرار می‌دهد. تیمورپور، انصاری و رضازاده بهادران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های انسان‌شناسی از دیدگاه فارابی و سند تحول بنیادین» به تحلیل مبانی انسان‌شناختی فارابی به‌منظور تبیین دلالت‌های ضمنی آن در سند تحول بنیادین پرداخته‌اند. با توجه به یافته‌های محققان، مؤلفه‌های نظام تربیتی فارابی از جمله سعادت، اخلاق، عدالت، حکمت، محبت، تعاون و دوستی مدنی، مطابق با یافته‌های انسان‌شناسی سند تحول

بنیادین است. امام‌جمعه و رضایی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «مقایسه مبانی انسان‌شناسی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با دیدگاه پست‌مدرنیسم»، با هدف ارائه برخی از ویژگی‌های مهم مبانی انسان‌شناسی از منظر سند تحول بنیادین انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در سند تحول بنیادین، انسان مسافری است غایتمند که سفرش را از خاک آغاز نموده است و لحظه‌به‌لحظه با شوری وصف‌ناپذیر به سمت غایت خود حرکت می‌کند. از منظر پست‌مدرن انسان موجودی بالفعل، ولی در سند تحول بنیادین، بالقوه است و شرایطی لازم دارد تا استعدادها و فطرت او شکوفا شود. نعمتی و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی تربیت اسلامی و مبانی نظری سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران»، به این نتیجه رسیده‌اند که تعالیم اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها در سند تحول به‌صورت نظری در نظر گرفته شده است و با آن‌ها انطباق دارد؛ ولی در زمینه عملی نیازمند همکاری بیشتر اساتید و متصدیان تعلیم و تربیت است تا این سند به‌صورت مطلوب عملیاتی گردد. صادق‌زاده قمصری و رضانی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران»، به این نتایج دست یافته‌اند که شباهت‌هایی در دیدگاه‌های برزینکا و مبانی سند تحول در زمینه اهداف آموزشی وجود دارد؛ از جمله این که در هر دو مورد، فرد و جمع مورد توجه می‌باشند، اهداف تربیتی با سایر ابعاد اجتماع مرتبط است، جنبه‌های مختلف تربیت مورد توجه قرار گرفته است، و بهبود شخصیت فرد مورد نظر است؛ تفاوت‌هایی نیز همچون تفاوت در توجه به بعد مذهبی اهداف تربیت، تفاوت در میزان تأکید بر فرد و اجتماع، تفاوت در میزان تأکید بر انتخابی یا الزامی بودن اهداف تربیت و تفاوت در توجه به بعد زیبایی‌شناختی تربیت، به چشم می‌خورد. با توجه به پیشینه پژوهشی ذکر شده، پژوهش حاضر در زمره اولین تحقیقات تطبیقی است که، به بررسی و واکاوی مبنای جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دیدگاه نظریات روان‌درمانی چون رویکرد آدلری می‌پردازد؛ و تاکنون پژوهشی در خصوص مطالعه مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از این منظر صورت نگرفته است و این می‌تواند نوآوری پژوهش حاضر محسوب گردد.

### روش‌شناسی

روش تحقیق مورد نظر در این پژوهش، روش تحقیق تطبیقی بردی<sup>۱</sup> است. بردی برای تحقیقات تطبیقی چهار مرحله را مطرح نموده است که عبارت‌اند از:

۱- توصیف<sup>۱</sup>: در این مرحله پژوهشگر باید به توصیف موضوع تحقیق بپردازد و بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف چه از طریق مشاهده مستقیم و چه از طریق بررسی اسناد و مدارک به دست آورده است، پدیده مورد نظر را توصیف کند (صادق‌زاده و رضانی، ۱۳۹۴: ۹۲).

1. Brady's comparative research method

- ۲-تفسیر<sup>۲</sup>: پژوهشگر در این مرحله، مطالبی را که در مرحله توصیف به آن پرداخته است، بررسی می‌نماید.
- ۳-هم‌جواری<sup>۳</sup>: در این مرحله، مطالب و اطلاعاتی که از مرحله توصیف و تفسیر به دست آمده‌اند، طبقه‌بندی خواهند شد تا محیطی فراهم شود که بتوان در مرحله بعد، این اطلاعات را مورد مقایسه قرار داد و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را بررسی نمود.
- ۴-مقایسه<sup>۴</sup>: در پایان، مسئله پژوهش دقیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرد و تشابهات و تفاوت‌های موضوع مورد پژوهش تحلیل می‌شود (آقازاده، ۱۳۸۱).

### یافته‌ها

در جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش، ابتدا رویکرد و دیدگاه آدلر در زمینه علاقه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به بازیابی وجوه اشتراک و افتراق رویکرد آدلر و مبانی جامعه‌شناختی سند تحوّل بنیادین پرداخته می‌شود.

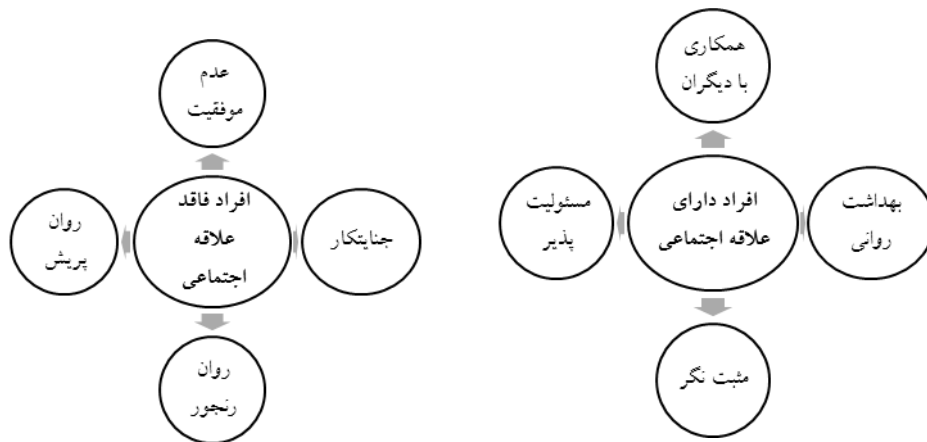
نگرش و دیدگاه رویکرد آدلری

آلفرد آدلر مؤسس رویکرد آدلری است. «او رویکرد خود را روان‌شناسی فردنگر نامید، زیرا بر بی‌همتا بودن هر فرد تأکید داشت، به نظر آدلر، هر انسانی در درجهٔ اول موجودی اجتماعی است» (شولتز به نقل از محمدی، ۱۳۹۹: ۱۹۰). آدلر بیان می‌کند که، هر یک از افراد دارای محیط اجتماعی و ارتباطات خاص خود هستند، که این امر شخصیت آنان را شکل می‌دهد. علاوه بر آن، وی همواره اهمیت گروه همسال<sup>۵</sup> را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

طبق این دیدگاه، کودکان به این دلیل که کوچک‌تر و ناتوان‌تر از والدین و بزرگ‌ترهای خود هستند، احساس حقارت می‌کنند؛ این احساس حقارت، درونی و ژنتیکی نیست، بلکه حاصل محیط اطراف کودک است. «در مورد طبیعت انسان، آدلر عقیده داشت که علاقه و اهتمام اجتماعی<sup>۶</sup> تا حد بسیار زیادی به انسان‌ها انگیزه می‌دهد. منظور از علاقه و اهتمام اجتماعی، احساس مرتبط بودن با جامعه به‌عنوان جزئی از کل جامعه، علاقه به دیگران و همدلی با آن‌ها، و نیاز و آرزو برای سهمیم بودن در خیر و صلاح کلی جامعه است» (ساموئل‌گلادینگ<sup>۷</sup> به نقل از گنجی، ۱۴۰۰: ۱۷۹).

در ادامه طی شکل ۱ و ۲ ویژگی افراد دارای علاقه اجتماعی و افراد بدون علاقه اجتماعی از دیدگاه آدلر بیان شده است:

1. Description
2. Interpretation
3. Adjacency
4. Comparison
5. peer group
6. Social interest
7. Samuel Gladding



شکل (۱) ویژگی افراد دارای علاقه اجتماعی از نظر آدلر / شکل (۲) ویژگی افراد فاقد علاقه اجتماعی از نظر آدلر

طبق دیدگاه رویکرد آدلری، سبک زندگی<sup>۱</sup> انسان‌ها تا ۵ سالگی شکل می‌یابد، این شکل‌یابی سبک زندگی، از طریق تعامل با اعضای خانواده به وجود می‌آید. «سبک زندگی از تعامل‌های اجتماعی سال‌های اولیه زندگی آموخته می‌شود» (شولتز؛ به نقل از محمدی، ۱۳۹۹: ۱۹۹). وی همواره ترتیب تولد فرزندان خانواده را تعامل افراد مهم می‌داند. در این رویکرد، اولین تکلیفی که افراد در زندگی با آن مواجه خواهند شد، مساعدت و کنار آمدن با دیگران است؛ این خود، موجب به وجود آمدن علاقه اجتماعی در افراد می‌شود، او این علاقه را فطری می‌داند و آن را جزو لاینفک در وصول به اهداف شخصی و اجتماعی قلمداد می‌کند. آدلر بیان می‌دارد: «افراد سالم خود را در قبال کمک به کل جامعه برای فرا رفتن از سطح عملکرد موجود و تبدیل شدن به نظام‌های اجتماعی کامل‌تر متعهد می‌دانند» (پروچاسکا؛ به نقل از محمدی، ۱۴۰۰: ۱۱۶).

در رویکرد آدلری، کسانی که می‌خواهند از انواع آسیب‌ها بگریزند، باید فشارهای مسئولیت شخصی و اجتماعی را تحمل کنند؛ وقتی افراد مسئولیت زندگی خود را قبول کنند، باید مسئولیت تأثیر سبک زندگی خود بر جامعه را نیز قبول کنند. همچنین صمیمیت در رویکرد آدلری «مستلزم اهمیت دادن به دیگران بیشتر از تمایلات فوری خویش است» (پروچاسکا؛ به نقل از محمدی، ۱۴۰۰: ۱۱۳). درنهایت باید گفت که هدف رویکرد آدلری این است که افراد باید مقاصد خودخواهانه خود را به جهت ارزش‌های اجتماعی سوق دهند. لذا آنان جهت کسب عزت‌نفس، ملزم هستند تا خود را فراموش کنند و طوری زندگی کنند که ارزش جامعه را با هم‌نوعان خود حفظ نمایند.

1. Life style

مؤلفه‌های مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش فلسفه تربیت رسمی و عمومی مانند هر نظریه تربیتی، بر مبانی خاص خود استوار است که بیش از هر چیز تابع شرایط محیط اجتماعی جامعه است. در اینجا به برخی از مهم‌ترین مبانی جامعه‌شناختی منطبق با دیدگاه اسلامی اشاره می‌کنیم:

۱- جامعه، حیاتی مستقل از حیات فردی آحاد خود دارد.

جامعه به دلیل اینکه حیاتی جدا از حیات افراد خود دارد؛ به تبع آن قانون‌هایی مستقل از افراد دارد؛ ولی درعین‌حال، اجزای جامعه، که همان انسان‌ها هستند، دارای آزادی و استقلال منحصر به فرد خود هستند، زیرا حیات فردی و ذات افراد، همگی در حیات جمعی حل نمی‌شود؛ لذا انسان با دو حیات و دو روح زندگی می‌کند: حیات و روح فردی انسان که منشأ اراده شخصی انسان است و دیگری حیات و روح جمعی که منشأ زندگی اجتماعی اوست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «بین فرد و جامعه رابطه حقیقی برقرار است، نه رابطه قراردادی مانند رابطه کتاب‌های یک قفسه» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

۲- انسان با محیط (جامعه) و آحاد آن تعامل فعال دارد.

به‌موجب تأکید بر آزادی و مسئولیت فردی در اسلام، از محیط‌گرایی فاصله گرفته می‌شود. این مؤلفه به ما متذکر می‌شود که، ابدأ نمی‌توانیم محیط را نادیده بینگاریم، ولی نباید برای تغییر محیط، دوباره خود را به محیط واگذار کنیم.

۳- نسبت فرد و جامعه نسبت وحدت و کثرت است.

این مؤلفه بیان می‌کند که، مسئولیت نهایی عملکرد هر کسی، بر عهده خود اوست. در نگرش اسلامی، توجه به موقعیت اجتماعی، به معنای اصالت جمع نیست؛ بلکه به معنای ملاحظه وحدت در کثرت، است. «توجه به موقعیت سبب می‌شود ما در مقام تبیین اعمال آدمی، تأثیرات محیط اجتماعی و حتی عناصر طبیعی را (به لحاظ وجود مقتضی و رفع مانع) در بروز شیوه‌های رفتاری و در تداوم آن‌ها و حتی در ظهور ویژگی‌های اخلاقی و نگرش انسان‌ها، مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار دهیم، ولی در مقام تجویز، از آدمیان بخواهیم با تکیه بر انتخاب و اراده خویش میزان و نوع این تأثیرات محیطی را شناسایی و حتی‌الامکان به کنترل درآورند. یعنی کانون توجه، چه در مقام تبیین عمل و چه در مقام تجویز اصلاحات، شخص یا همان فرد اندیشنده، تصمیم‌گیرنده و عمل‌کننده است» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۲۱)؛ بنابراین دیدگاه اسلامی از سویی، در تضاد با فردگرایی است و از سوی دیگر، در تعارض با جبرگرایی اجتماعی، به ما اجازه نمی‌دهد برای تغییر و اصلاح عملکرد یادگیرندگان، صرفاً به ساختارهای اجتماعی متکی باشیم؛ زیرا در اسلام هیچ‌کس بار دیگری را به دوش نمی‌گیرد. بر اساس این مؤلفه، افراد قادر نخواهند بود، از تأثیرات محیطی بر اعمال و رفتار خود چشم‌پوشند ولی درعین‌حال، نمی‌توانند نقش خود را در تبیین اعمال و حتی در تصحیح آن، انحصاری و بیش‌ازحد واقعی برجسته نمایند.

۴- نهادها، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی در نحوه عمل افراد در موقعیت‌های زندگی، تأثیرگذار است.

توجه به اهمیت و تأثیر این مؤلفه، می‌تواند نگاه سیاست‌گذاران اجتماعی را به تغییرات محیطی، بیش‌ازپیش معطوف نماید. بنابراین لازم است، صاحب‌نظران علاوه بر تأکید بر پیچیدگی‌های بسیار فرآیندهای اجتماعی، به بررسی تأثیر نهادهایی چون اقتصادی، سیاسی و علمی در عوامل محیطی مبادرت ورزند. «برنامه‌ریزان تربیتی لازم است تصویری نزدیک به واقعیت از حوزه عمل این نهادها در اختیار مربیان قرار دهند. آن‌ها می‌توانند و باید برای دستیابی به تفسیری معتبر از موقعیت و راه‌های اصلاح مداوم آن از منابع معتبر علمی و دینی بهره‌مند شوند» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

۵- زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌ها توسط شهروندان جامعه اسلامی، عامل تحرک اجتماعی است.

طبق این مؤلفه، جریان تربیت، باید به‌گونه‌ای باشد تا فرصت مناسب دستیابی همگان به شایستگی و برتری را به‌صورت عادلانه برای آحاد اجتماع فراهم آورد. این امر موجب تشکیل هویت سالم در جامعه خواهد شد و از شکاف طبقاتی در جامعه جلوگیری خواهد نمود.

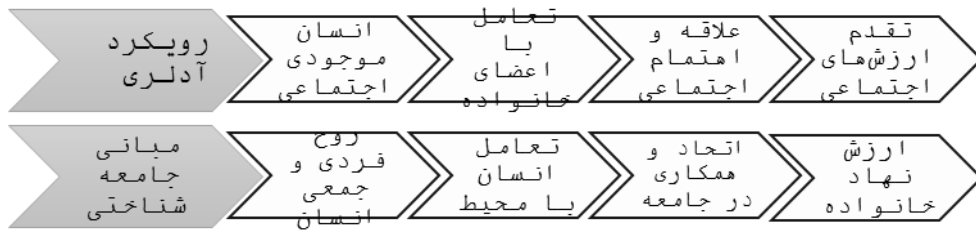
۶- نهادهای اجتماعی دارای غایت مشترکند و کارکرد همدیگر را در راستای غایت تکمیل می‌کنند.

تمامی نهادهای اجتماعی در جریان تحقق حیات طیبه، سهیم هستند. آن‌ها با وجود دارا بودن تفاوت در ساختار و ظرفیت، از هدف و غایت مشترکی هم برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که کارکرد هرکدام بر دیگری تأثیر خواهد گذاشت. «بنابراین نقص در کارکرد هریک از نهادهای اجتماعی را نمی‌توان به‌سادگی با تقویت نهادهای دیگر جبران کرد و لازم است همه نهادها با همدیگر تعامل داشته باشند» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

۷- نهاد خانواده، که نقش غیرقابل‌انکاری در تربیت بر عهده دارد، یکی از نهادهای بنیادی جامعه به شمار می‌آید.

در اسلام سلامت جامعه درگرو وجود خانواده‌های سالم در تمامی ابعاد زندگی است. «یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی در انواع تربیت، به‌ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، نهاد خانواده است» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۲۳). در حقیقت نهاد خانواده مهم‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به‌حساب می‌آید. خانواده درحال نقش غیرقابل‌انکاری در فرآیند تربیت دارد. در نگرش اسلامی و آیات و احادیث نیز بر این موضوع مهم تأکید شده است. در ادامه، اهمّ مضامین رویکرد آدلری و مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی در قالب شکل ۳، بیان شده است:





شکل (۳) مهم‌ترین مضامین اجتماعی موجود در رویکرد آدلری و مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی

بازیابی وجوه اشتراک و افتراق موجود میان رویکرد آدلری و مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در این بخش تفاوت‌ها و شباهت‌های جامعه‌شناختی میان رویکرد آدلری و مبانی تربیت رسمی و عمومی در سند تحول بنیادین، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### ۱- وجوه اشتراک

- دیدگاه‌های مذکور، اجتماع و جامعه را جزو لاینفک زندگی هر فردی به شمار می‌آورند؛ به‌گونه‌ای که فرد بدون جامعه و جامعه بدون فرد معنایی ندارد و جهت رسیدن به سبک زندگی سالم و صالح، تعامل این دو ضروری است. از یک‌سو رویکرد آدلری بیان می‌نماید که «برای بررسی افراد، باید آنان را در بافت اجتماعی مورد مطالعه قرار داد» (آدلر، ۱۹۴۹). از سوی دیگر در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی، سند تحول بنیادین بیان می‌نماید که انسان‌ها با محیط و جامعه تعامل دارند. «ما در تعامل با محیط ناگزیریم و نمی‌توانیم آن را نادیده بینگاریم» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

- همان‌طور که آدلر (۱۹۷۸) یکی از ویژگی‌های برجسته افراد سالم را، ترجیح دادن مصالح جمعی به خواسته‌های فردی می‌داند، مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز بیان می‌کند که، همه انسان‌ها و نهادها در نهایت، باید برای اهداف و مقاصد جامعه پیش بروند.

- کیفیت محیط خانواده و شبکه اجتماعی افراد خانواده یکی از مواردی است که آدلر در شکل‌گیری شخصیت افراد، مهم می‌داند. «مطابق با اصل علاقه اجتماعی در مکتب آدلر، آدمیان از نخستین دوران به شکل خانواده، قبیله و ملت گرد یکدیگر جمع شده‌اند» (شولتز، ۱۳۸۶: ۱۵۰). در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز به‌جدة، بر این مورد تأکید شده است و نهاد خانواده را یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مؤثر در تربیت کودکان به حساب می‌آورد. «در نگاه اسلامی، سلامت جامعه و رسیدن به جامعه‌ای سالم منوط به وجود خانواده‌های سالم و کارکرد مناسب آن‌ها در همه ابعاد زندگی است» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

- طبق مکتب آدلری، افراد جامعه مسئول سبک زندگی منتخب خود هستند و کوچک‌ترین تأثیری که سبک زندگی آنان بر جامعه بگذارد بر عهده خودشان خواهد بود. همچنین مبانی جامعه-

شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز بیان می‌دارد که فعالیت‌های ما بر دیگری اثر می‌گذارد و اشکال در یک بخش موجب به وجود آمدن اشکال در بخش دیگر می‌شود. پس تمامی افراد طبق این دو دیدگاه مسئول اعمال و رفتار خود هستند.

- آدلر این‌گونه بیان می‌کند، در صورتی که برای کودکان، محیطی مناسب فراهم شود، درون ساختار شخصیت آنان علایق اجتماعی مثبتی نسبت به محیط اطرافشان به وجود خواهد آمد؛ آنگاه کودکان به علاقه اجتماعی مزین خواهند شد و همواره مورد توجه جامعه خواهند بود؛ این خود موجبات سربلندی آنان را فراهم خواهد نمود. در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، به ایجاد فرصتی مناسب برای دستیابی همگان به شایستگی و برتری تأکید شده است.

- همچنین، طبق رویکرد آدلری هر انسانی منحصر به فرد است، اما در درجه نخست موجودی است - اجتماعی. در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین هم، رویکرد جامعه‌شناختی مطلوب، رویکردی است که دو جریان انسجام و تمایز یافتگی (وحدت در کنار کثرت؛ کثرت در کنار وحدت) را در کنار هم قرار دهد؛ یعنی «هم بر وحدت و انسجام اجتماعی تأکید دارد و هم به وجود کثرت در گروه‌ها و فرهنگ‌ها عنایت دارد» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

## ۲- وجوه افتراق

- در دیدگاه آدلر افراد به سمت کسب قدرت، برتری جویی، علاقه اجتماعی و غایت‌نگری جریان خواهند یافت و او چنین دیدی نسبت به غایت و مقصد انسان‌ها دارد؛ اما در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، هدف، رسیدن به حیات طیبه به منظور کسب آمادگی به عنوان شهروند صالح و تشکیل هویت متعالی مقصد نهایی افراد است.

- آدلر صراحتاً بیان نموده است که اجتماع، گرایش فطری و اولیه تمام انسان‌ها است، اما این امر در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین به گونه‌ای مبهم چنین ذکر شده است: «در اینکه گرایش به اجتماع، فطرت اولیه آدمی است یا فطرت ثانویه او، بین فیلسوفان مسلمان اختلاف وجود دارد. برای مثال، علامه طباطبایی، اجتماع بودن انسان را فطرت ثانویه می‌داند» (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۲۱). بنابراین، مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین گرایش اجتماعی را، هم، فطری اولیه می‌داند هم، فطری ثانویه.

- در اصل ۳-۴-۱ مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین بیان شده است که اسلام هم با فردگرایی و هم با جبرگرایی اجتماعی تعارض دارد. و به صراحت می‌گوید که؛ اسلام صرفاً اجازه نمی‌دهد که برای ایجاد تغییرات در یادگیری، متکی به انواع ساختارهای اجتماعی شویم و مسئول نهایی هر شخص خود اوست. اما آدلر هرگاه قصد مطالعه افراد را داشت، آنان را در بافت اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌داد و همواره جامعه و جمع را عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد قلمداد می‌کرد.

- علی‌رغم آن که هر دو دیدگاه به اهمیت خانواده و چارچوب آن توجه خاصی نموده‌اند، ولی آدلر ترتیب تولد فرزندان خانواده را عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد می‌داند؛ به گونه‌ای که از نظر وی فرزندان اول خانواده به احتمال زیادی در بزرگسالی بزهکار خواهند شد. در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، ترتیب تولد فرزندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ و به صورت کلی نقش والدین را نسبت به تربیت فرزندان دارای جایگاهی والا می‌داند. شکل ۴ نقشه‌ای کلی از وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های مذکور را نشان می‌دهد:



شکل (۴) وجوه اشتراک و افتراق رویکرد آدلری و مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی

### بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد آدلری، هر انسانی را بی‌همتا می‌داند. در این دیدگاه علاقه اجتماعی، امری فطری است. حال آنکه تا چه اندازه، این علاقه اجتماعی در فردی محقق شود، به تجربیات اجتماعی سال‌های

نخست زندگی کودک با خانواده‌اش بستگی دارد؛ لذا در نظر آدلر، شکل‌گیری شخصیت افراد، مطابق با جامعه و اطراف او شکل خواهد گرفت. در مبانی جامعه‌شناختی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به موضوع تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندانی صالح و سالم پرداخته شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که در هر دو مبنا، به تعاملات فرد با خانواده و اجتماع توجه جدی شده است. از سویی محیط خانواده یکی از مواردی است که آدلر در شکل‌گیری شخصیت افراد، مهم می‌داند و در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین نیز بر این مورد تأکید شده است و نهاد خانواده را یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مؤثر در تربیت کودکان به‌حساب آورده است. طبق رویکرد آدلری هر انسانی منحصر به فرد است، ولی در عین حال اجتماعی است؛ و در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین هم، رویکرد جامعه‌شناختی مطلوب، رویکردی است که دو جریان انسجام و تمایز یافتگی را در کنار هم قرار دهد. به‌صورت کلی، دیدگاه‌های مذکور، جامعه را جزو جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها می‌دانند. اما می‌توان گفت علی‌رغم وجوه اشتراک میان این دو دیدگاه، وجوه افتراق اساسی نیز در آن‌ها وجود دارد. از جمله اینکه رویکرد آدلری، گرایش اجتماعی را جزو گرایش‌های فطری اولیه می‌داند و مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین در دانستن این گرایش شبیه دارد و به نظر می‌رسد در خصوص اینکه گرایش اجتماعی فطری اولیه است یا ثانویه نظر قطعی ندارد. همچنین در مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی سند تحول بنیادین، خانواده به‌عنوان نهاد تربیت فرزندان در نظر گرفته می‌شود، اما رویکرد آدلری علاوه بر آن، ترتیب تولد فرزندان خانواده را نیز بسیار مهم دانسته است. همچنین علی‌رغم دیدگاه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی سند تحول بنیادین، که هم با فردگرایی و هم با جبرگرایی اجتماعی تعارض دارد، آدلر، مطالعه افراد را تنها در بافت اجتماعی در نظر می‌گرفت و همواره جامعه و جمع را عامل مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد قلمداد می‌کرد. در انتها نیز دیده شد که هدف نهایی از تربیت شهروندانی سالم، در مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین، رسیدن به حیات طیبه است، ولی آدلر انسان‌ها را موجوداتی می‌داند که در پی کسب برتری و قدرند. با توجه به اینکه پژوهش حاضر و استفاده از رویکرد آدلری در مطالعه مبانی جامعه‌شناختی تربیت رسمی و عمومی، به نوبه خود یک نوآوری در مطالعات مربوط به سند تحول است، پیشنهاد می‌شود مسائل تربیتی نیز در چارچوب این رویکرد بررسی گردند. همچنین با توجه به اینکه نظریه‌های روان‌درمانی، نقش مهمی در سلامت روان انسان‌ها دارند، لذا توجه به آن‌ها و مطالعات بین‌رشته‌ای می‌تواند افق‌های تازه‌ای را پیش روی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار دهد. علاوه بر آن، نظریات دیگری چون مراجع محوری کارل راجرز و گشتالت‌درمانی فریک پرلز نیز به مسئله محیط توجه نموده‌اند؛ لذا بررسی تطبیقی مبنای جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با این دو دیدگاه نیز می‌تواند اطلاعات و نتایج مفیدی را در اختیار معلمان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و

تربیت قرار دهد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های دیگری در زمینه‌ی مبانی روان‌شناختی، حقوقی و سیاسی - اجتماعی مبانی تربیت رسمی و عمومی سند نیز صورت گیرد.

### منابع

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۱). *تاریخ تحول دانش، تعلیم و تربیت تطبیقی و بین‌المللی*، تهران: انتشارات نسل نیکان.
- آقازاده، احمد. (۱۳۸۳). *مسائل آموزش و پرورش ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- امام‌جمعه، محمدرضا؛ رضایی، لیلا. (۱۳۹۵). *مقایسه مبانی انسان‌شناسی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با دیدگاه پست مدرنیسم*، ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- پروچاسکا، جیمز؛ نورکراس، جان. (۱۳۹۹). *نظریه‌های روان‌درمانی (نظام‌های روان‌درمانی): تحلیل میان نظری، مترجم: سید محمدی، یحیی*، تهران: انتشارات روان.
- شکوهی، غلام‌حسین. (۱۳۹۴). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شولتز، دوان. (۱۳۸۶). *نظریه‌های شخصیت*، مترجمان: یوسف کریمی و دیگران، چاپ ششم، تهران: انتشارات ارسباران.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز سیدنی ال. (۱۳۹۹). *نظریه‌های شخصیت*، مترجم: سید محمدی، یحیی، ویراست دهم، تهران: انتشارات ویرایش.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا؛ رضانی، معصومه. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران*، دو فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۳ (۴): ۸۹-۱۱۰.
- کیایی، زهرا؛ باقری، فریبرز و ابوالمعالی‌الحسینی، خدیجه. (۱۴۰۰). *ساختار وجودی انسان در قرآن و کاربرد آن در ساحات تربیتی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹ (۵۰): ۱۳۵-۱۷۵.
- گلاذینگ، ساموئل. (۱۴۰۰). *اصول و مبانی مشاوره*، مترجم: حمزه گنجی، ویراست هفتم، تهران: انتشارات ساوالان
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران*، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

Adler, Alfred. (1978). *L'Enfant Deficit*. Paris: Payot

Adler, Alfred. (1950). *Le sens de la vie*, Paris: Payot